

امام به جماران برسند. جدم یار بود که با آن همه جمعیت موفق به زیارت امام شدم. صورتم را بوسید و دست مبارکش را به سرم کشید و از آن موقع از رحمت خودش و حد بزرگواریش بهبودی کامل حاصل کردم.

(گزارش حاساز علامرضا عالی - نقل از

محلہ شاهد. ۱۵ خرداد ۱۳۶۱)

- در نزدیکی خرمشهر به سمت راست پیش میرویم و به موازات خاکریز رزمندگان اسلام راه خود را ادامه میدهم. صدای توپ و خمپاره فضا را پر کرده است، اما گویی نیروئی ما فوق قدرت انسان در خط سیر توپ و خمپاره دشمن اخلاص منماید، زیرا خمپاره هایکی بعد از دیگری در وسط راه، راه خود را کج میکنند و در فاصلهای بین خط اول و دوم به زمین مینشینند.

(از محلہ پیام انقلاب - ۲۲ خرداد ۱۳۶۱)

- عصر روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت با قرارگاه مرکزی کربلا ارتباط برقرار نموده و کیفیت و اوضاع جبهه ها را سؤال نمودیم. در این تماس متوجه شدیم که در شب جمعه صادق با مبعث پیامبر ختمی مرتبت حضرت رسول الله (ص) آخرین مرحله از عملیات بیت المقدس انجام میشود. بعد از ظهر روز پنجشنبه از تهران براه افتادیم، ولی صبح جمعه که به اهواز رسیدیم متوجه شدیم که در شب قبل حمله انجام نگرفته است. پس از پرس و جو متوجه شدیم که شب مبعث پیامبر اسلام (ص) معجزه بزرگی در جبهه ها بوقوع پیوسته است، بدین ترتیب که دشمن متجاوز خودش را آماده نموده بود تا در همین شب حمله بزرگی را شروع نماید. ولی در همان موقع برادران رزمنده ما در جبهه ها و در سنگرها دست به دعای مخصوصی برداشته و گفته بودند: " یارب یارب قوعلی خدمتک جوارحی " و همچنین گفته

بودند: الهی وربی من لی غیرک استلله کشف ضربی
 والنظر فی امری " ، و امام امت نیز همانوقت است
 در جماران گفته بودند: " اللهم ومن ارادنی بسوء
 فاردہ ومن کادنی فکده " ... و درست در همین موقع
 ده دقیقه از حمله سنگین عراق نگذشته بود که بادی سرخ
 وزیدن گرفت ، قدری که به هر کجا انسان نظر میافکند
 غیر از سرخی چیزی پیدا نبود ، و این امداد غیبی باعث شد
 که گروهی از دشمن گروهی دیگر از خود را زیر آتش
 بگیرند و دما را از روزگار همدیگر در آورند . آنوقت
 فهمیدیم که این علامت توجه حضرت ولی عصر به این
 امام و این امت بود .

(از مجله پیام انقلاب ، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱)

- حسن ایزدی روحانی ۸۵ ساله که مدت ۱۱ ماه
 در جبهه های جنوب مشغول ستیز با کفار بعثی بوده است
 میگوید: به همراه گروهی از برادران دیگر برای ضربه
 زدن به قوای دشمن به قلب متجاوزین بعثی نفوذ کردیم .
 هنوز دقیقا یقی چندا ز عملیاتمان نگذشته بود که دشمن متوجه
 حضور ما شد و شروع به تیراندازی و پرتاب توپ و خمپاره
 به سوی ما کرد . ما به مقاومت خود ادامه دادیم ، ولی
 نه آب داشتیم و نه آذوقه ، بتدریج تشنگی بر هر زمانم
 مستولی میگشت . لبهایمان خشکیده بودند و مشغول
 نیایش بودند و پیدا بود که طلب جرعه ای آب میکنند تا
 توانی بدست آورده و دوباره بر دشمن زیون بتازند .
 ناگهان خمپاره ای در نزدیکی ما بر زمین خود و گردو غبار
 حاصل از انفجار آن بر روی مان نشست . همه منتظر شهادت
 بودیم و چهره طفلان حسین (ع) در کربلا را مقابل چشمان
 خود مجسم کرده بودیم که از تشنگی قادر به حرکت
 نبودند . ناگهان آسمان از گردو غبار زدوده شد و همگی
 مشاهده کردیم که چگونه از محل اصابت خمپاره کسی

برای کشتار ما از سوی دشمن فرستاده شده بود از زمین
آب مثل چشمه زمزم فوران میکرد.

(از محله نگهبان انقلاب اسلامی -

۲۵ شهریور ۱۳۶۱)

- بارها اتفاق افتاد که ما خودمان را برای حمله
غافلگیرانه به دشمن یعنی در فلان ساعت و فلان دقیقه
آماده کرده بودیم ، و این موضوع هم کلی محرمانه
بود. ولی هر دفعه ، وقتی که با فریاد الله اکبر حمله
کردیم ، دیدیم اثری از دشمن در مواضع خودش نیست
و دو ساعت پیش آنجا را تخلیه و عقب نشینی کرده است ،
تا مدتها را زاین مطلب را نمیفهمیدیم . آخر حقا الاسلام
ربانی بما گفتند : مگر متوجه نمیشوید که قبل از شما
امام زمان خودشان حمله فرموده و آنها را کوبیده اند ؟

(محله سروش ، ۱۷ آبان ۱۳۶۱)

- همه نفرات دیگر در سنگر ما با تیر قوای دشمن
کشته شده بودند. من هم خودم را برای شهادت آماده
کردم ، ولی در همان موقع دیدم آقای جوانی با شال
سبز جست زد بدرون سنگر ، و دستش را جلو گلوله ها گرفت
و بعد هم تیراندازی تمام شد. خواستم از او بپرسم
کیست ، ولی بی خبر رفت و فقط گفت : وقتی که بحضور
امام رفتی سلام مرا بایشان برسان .

پس از برگشتن به تهران اجازه یافتم که به
خدمتشان بروم و گزارش انجام وظایف مذهبی خود را در
جبهه به عرضشان برسانم . ولی جریان چند ماه پیش را
در سنگر کلی فراموش کرده بودم . وقتی که اجازه مرخصی
گرفتم ، امام با تبسم فرمودند : پیغامی برای من
نداری ؟ با تعجب عرض کردم خیر ، فرمودند : از همسنگر
آن روزی خجسته چطور؟ آنوقت یادم آمد ، با تعجب

عرض کردم : مگراوکی بود؟ فرمود: چطور نفهمیدی؟
حضرت صاحب الامر بودند.

(ارمحله صفحہ ۲۵، شہر سور ۱۳۶۱)

— تیربارہای کالیبر ۷۵ دشمن کہ روی تانک مستقر
مبیا شد بیوقفہ شلیک میکرد و سکوت شب را میدرید و هر
لحظہ کہ بہ دشمن نزدیک میشدیم شلیکها شدیدتر میشدند.
تیربار دشمن مرتب شلیک مینمود و از جانب راست و چپ و
پائین بدن ما ردمیشد ولی دردشت صاف حتی یکی از این
گلولہ ہا بہ افراد گروہ ما اصابت نمینمود. اگر دعای
امام نبود و امام زمان نبود و دست خدا بالای سر
رزمندگان ما نبود مگر میشد با دیوار گوشتی در مقابل
دیوار تانک پیروز شد؟

دشمن در این عملیات بی هدف شلیک میکرد. وقتی
کہ بمبهای روشن کننده دشمن در آسمان روشن شد، دراز
کشیده بودیم کہ یکی از رزمندگان فریاد زد: بخدا قسم
امام زمان را دارم می بینم. اشک در چشمان ما حلقہ
زد. در پیش خودمان احساس شرمساری مینمودیم کہ چرا
ما سعادت دیدن امام عصر عجل الہ تعالی فرجہ را پیدا
نکرده ایم. در پشت خاکریز دشمن بودیم کہ شنیدیم
یکی بلند بلند فریاد میزد و خطاب بہ امام زمان
میگفت: " بسین امام این پرچمدار ت را کہ چگونه علم
اسلام را بردوش دارد. " و یکی دیگر از مجروحین نیز بہ
امام زمان میگفت: " قربانت بیروم امام، بہ این
امام خمینی طول عمر عطا بفرما!"

(از خاطرات یک پاسدار انقلاب اسلامی در جبهہ
نبرد حق و باطل " نقل از روزنامہ اطلاعات

۱۶ مرداد ۱۳۶۱)

وصیتنامه های شهدا

مدرشویی مؤمن درگذشته، از ارکان کارمکتب دکانداران دین بوده است، و امروز هم هست. بهمن جهت آشار آنرا در همه شئون جامعه " حزب الهی " ایران امروز میتوان یافت. ولی شاید هیچ نمونه دیگری در این زمینه گویا تر از وصیتنامه های " شهدا " نباشد که بیش از دو سال است سلسله نامحدودی از آنها بطور منظم در مطبوعات جمهوری اسلامی منتشر میشود. مضمون تقریباً همه این وصیتنامه ها - اگر با خاطره مرگ غمانگیز و بی انصافانه هزاران نوحوان ساده دل و معصوم ایرانی همراه نبود - واقعاً میتوانست مایه استهزا باشد. شاید نیازی به یادآوری نباشد که قسمت اعظم نویسندگان این وصیتنامه ها، کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله ای هستند که عکسهایشان منظماً در ستونهای مجالس ترحیم روزنامه های جمهوری اسلامی بچاپ میرسد، و از ترکیب این عکسها و این نوشته ها، میتوان دریافت که فرهنگ ریا با چه ناجوانمردی، تحت عنوان " شهید پروری " سبیل قربانی به معنی " آخوند پروری " نثار میکند (۱).

x x x

- وصیت میکنم که داود پسرم پاسدار شود و پسر دیگرم محمدجواد طلبه شود. و دخترم بیاد حضرت رقیسه این زبان حال را بر جنازه من بخواند:

۱ - به صفحات ۷۸ و ۷۹ مراجعه شود.

" دختر دزدانه منم ! به کنج ویرانه منم ! عمه
چه آمد به سرم ؟ چرانیا مد پدرم ؟ " وبعد مگسّرر
بتّوید: " الله اکبر ! .. خمینی رهبر ! "

(شهید عبدالحمید ورپشتی ، نقل از

روزنامه کسپان ، ۷ شهر—ور ۱۳۶۱)

— آخوند ، ملا ، طلبه ، جقدرا این کلمات ارزش
دارد! آخوند ، از کلبینی ها گرفته تا خمینی ها ، هر
زمان حافظ اسلام بوده اند و انشااله تا انقلاب مهدی (ع)
خواهند بود . و برایم مشخص شده که پس از امام بعد از
صدوبیست سال ، فقیه بزرگوار آیتاله منتظری ادامه
دهنده راه او خواهد بود . اکنون لیبرالها به زباله دان
تاریخ افتاده اند ، ولی فقیه یادویازوی سپاه پاسداران
وروحانیت به پیش میتازد . در این صورت امریکا دیگر
باید تا صدها سال بلکه همیشه گورش را کم کند .

(شهید محمود شبازی فرمانده سپاه

پاسداران همدان . نقل از ماهنامه صف

نشریه ارتش جمهوری اسلامی

۱۱ شهریور ۱۳۶۱)

— بسم رب الشهداء ، بنام پروردگار آفریننده
آسمان ، بنام محمد و علی و حسین سیدالشهداء و خمینی
بت شکن ، ... شهید قلب تاریخ است ، شهید شمس
تاریخ است ، و دوسازنده تاریخ حسین و خمینی هستند!
والسلام .

(شهید محسن منبری از داغره سیاسی

ایدشولوژیک یادگان تبریز ، نقل از همان

نشریه)

— ای عزیز دلم خمینی ، که ما را از بت پرستی
رها نیدی ، و به خدا پرستی دعوت کردی ، خدا پا داشر خیر

به توفرزند رسول خود محمد (ص) بدهد.

(شهید حسین هوشمند عباسی، اول فروردیس

۱۳۶۱ - نقل از هفته نامه پیام انقلاب

(۲۲ خرداد ۱۳۶۱)

- درخاشمه برای مادرم این اشعار را مینگارم :

کفران کنی لطف خدائی را میا دا کم کسی از شکرهای خود

میا دا اجر خود را کم کنی ما در میا دا صبر تو شیطان برد ما در

(شهید حبیب مرزانی گل محمدی - نقل

از هفته نامه پیام انقلاب - ۲۲ خرداد ۱۳۶۱)

- امام عزیز اکنون که در کنار سنگرهای سربازان

امام زمان (عج) نشسته ام گاهی قامت استوار و وجه سره

نورانی امام زمان و گاهی توسید جلیل القدر را در مقابل

چشمانم میبینم . انشاء اله آن حضرت بقبة العالاعظم

عنایتی بفرمایند و ما را از انتظار خارج سازند .

(شهید علی نبی پور انگلی - روزنامه

اطلاعات - ۱۶ مرداد ۱۳۶۱)

- ای فرزند حسین ، روح خدا ، خمینی کبیر ، به

حسین جان بگو که اگر در آن فضای داغ و خونین کربلا

کسی به فریادش نرسید ، مایه ندای غریبی و تنهائیش

لبیک گفتیم و اگر نبودیم در کربلا تا او را یاری کنیم ،

پس فرزندش روح خدا ، خمینی کبیر را یاری کردیم .

و شما برادران بدانید که جای نیکوکاران بهشت است که

زیر درختانش نهرها جاری است . و خدا را شکر میکنم که

سالهای عمرم را تا فرا رسیدن یوم الله قرار داد . مرگ بر

امریکا ، مرگ بر شوروی .

(شهید بیژن محمدیان - روزنامه اطلاعات

۱۷ مرداد ۱۳۶۱)

- وصیت میکنم به شما پدر و مادرم که در درجه

اول حفظ جان امام را از خداوند متعال بخواهید ، زیرا

که اگر مرگ بر امریکا و مرگ بر شوروی را جمع کنیم
میشود: خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار!
در درجه دوم راه شهدای پاک و صالح و سرجسته‌ای چون
بهشتی و رجائی و باهنر را ادامه دهید. در درجه سوم
بولی را که در منزل موجود دارم به حساب شماره ۱۵۰ امام
بریزید. (شهید علی احمدی، عضو گروه مقاومت
اسلام مسجد امام رضا - روزنامه کیهان
۱۷ مرداد ۱۳۶۱)

- ملت عزیز، در وجود امام عزیز دقت بیشتری
کنید. تمام عمر من فدای یک لحظه زندگی امام. دیگر
عرضی ندارم.

(شهید علی رضا زارعی، روزنامه اطلاعات
۱۷ مرداد ۱۳۶۱)

- درودی پایان من به چریک پیرا انقلاب و محاهد
کبیر حضرت آیه‌اله العظمی نایب الامام، الامام
خمینی، والسلام علیکم ورحمت‌اله وبرکاته.
(شهید حسن سنحایی - روزنامه اطلاعات
۱۹ مرداد ۱۳۶۱)

- اگر میخواهید در دنیا و آخرت آقایی و سروری کنید
از نایب امام زمان، پیر جاران دست برنیدارید و در نماز
جمعه شرکت کنید و از نصایح مدبرانه آیت‌اله العظمی
منتظری و حجة الاسلام رفسنجانی استفاده کنید که مثل
ایشان مثل هارون و موسی است. بر مظلومیت آقای عبدالله
الحسین (ع) بگریید و بر مظلومیت بهشتی و رجائی هم
بگریید. زنده باد حزب‌الله پیشمرگان روح‌الله خدایا
خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

(شهید اکبر قدیانی، عضو انجمن اسلامی
کاوه. نقل از ماهنامه اعتصام،
شهریور ۱۳۶۱)

- من در این قرن متولد نشدم . آدم را دیدم
 وقابیل را دیدم ونوح را والیاس وبعقوب وزکریا
 وداود واسحق وخلیل اله بت شکن را . وعسی وموسی
 را ، واز غار حرا گذر کردم وصدای رسالت محمدی را شنیدم
 ویا علی ولی اله رندگی کردم وبه حسین وحسن وهشمت
 فرزند معصومش ایمان آوردم ودر انتظار آخرین فرزندش
 هستم . وحالا خدا ابن خمینی عزیز را ولسی ما کرده
 است که درست الگوئی است از خودش! خدایا ، این دوست
 خودت ، این پیر الهی را تا قیام امام زمان نگهدار .
 وباین ملت بفهمان که بخدا سوگند لیاقت دار دکره هیرش
 خمینی باشد .

(شهید سید میرفتاح ، نقل از ماهنامه

شاهد ، ۱۵ شهریور ۱۳۶۱)

- خداوند میگوید هر که را عاشقم شود عاشقش بشوم
 وهر که را عاشقش بشوم شهیدش میکنم ، امیدوارم بسا
 رهبری این زعیم عالیقدر آن اسرائیل کنیف را نابود
 کنیم . ای ملت ایران ، از دعای کمیل وتوسل وندبسه
 غافل نشوید و نماز جماعت را از یاد نبرید . هدف ما برقراری
 رهبری زعیم عالیقدر خمینی در سرتاسر جهان است .

(شهید محمد باقر کشمیری ، نقل از روزنامه

کمان ، ۱۶ شهریور ۱۳۶۱)

- خدایا ، سرودهای این اسطوره های شهادت را
 شنیدی ؟ فریادشان را شنیدی ؟ نوحایشان را شنیدی ؟
 زمزمه شان را شنیدی ؟ شنیدی که نامشان موحد است ،
 کتابشان قرآن ، مقصدشان شهادت ، وفرمانند هشمان
 روح اله ؟ ... پس به خورشید بگو ، به ماه بگو
 در نیاید ، به ستارگان بگو ، به همه آنها بگو
 اشک بریزند ، به عقابها بگو به سوگ یا رانمان بنشینند ،
 به فرشتگان بگو که انی اعلم ما لاتعلمون . فلسفه

آفرینش را در کربلای خوزستان نشان شده ، به علی بگو
که شیعیان شرفیاست بپاکردند ، ای امت ، امامان ،
فقیهان ، رهبران ، امبدمان ، معلمان ، برادرمان ،
روح اله مان را یاورباشید ، شهای جمعه هم دعای
کامل را فراموش نفرمائید .

(شهید علی محمد خورسبانی معروف به علی

جریک ، نقل از روزنامه کیهان ،

۲۵ شهریور ۱۳۶۱)

- خدا را شکر که به امید ظهور امام زمان (ع) و
بادرود به زعیم عالیقدر رهبر کبیرانقلاب ، به رهبری
خمینی کبیر به افتخار شهادت نائل شدم .

(شهید محمد حسن احمدی معلم ، نقل از

روزنامه کیهان ، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- ای پدر و مادرم ، در اینحاکه شهیدمیشوم خدا
را مشاهده میکنم و جز خدا و پیغمبر و امامان و حضرت مهدی
چیزی نمی بینم ، و رهبر عزیزم امام امت را هم میبینم .
این امام است که تمام ابرقدرتبان دنیا را به زانو
در آورده است و امیدوارم تا انقلاب مهدی علیه السلام
پایدار بماند که انقلابش را با انقلاب مهدی موعود
پیوند بزنند . و تا زمان ظهور عصاره خلقت زنده بمانند
تا از حضورش بهره مندشویم .

(شهید محمد تقی طالاری ، نقل از روزنامه

کیهان ، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- برادر جان ، از چهل مؤمن تأییدیه بگیری که من
در این دنیا مسلمان و مؤمن بودم و تأییدیه را در قهرم
بگذارید ، و دعا کنید که خدا طول عمری با اندازه عمر
آفتاب به این امام امت عطا فرماید .

(شهید علی اصغر اولادی - نقل از روزنامه

اطلاعات ، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- شهادت چیزی است که پیغمبر اکرم فرمود: بهشت
دارای چهار درمیباشد که یک در آن مخصوص یاران من
میباشد. (۱) اگر انشاءاله به درجه رفیع شهادت نائل
شوم از این در وارد می‌شوم. همانطور که امام عزیزمان
فرمود شهید نظر می‌کنده وجه الله. من از این جمله
امام درس گرفتم و روی بقبه عمرم بعد از ۱۷ سال خط
قرمز کشیدم. والسلام.

(شهید محمد حسن ذنوبی ، نقل از روزنامه

کیهان ، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- من ندای هل من ناصر یبصرنی امام حسین (ع)
را که از حلقوم خمینی کبیر بیرون آمد لبیک گفتم
و شربت شهادت نوشیدم. شما مردم غیور و شهید پرور هم
از قبول شهادت نگر بزیاد و گرنه امام که قلب ملت و هدیه
خدا است ناراحت میشود.

(شهید حسین سهرابی ، نقل از روزنامه

کیهان ، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

- سلام بر رهبر کبیر انقلاب و بعد (!) به یگانہ منجی
عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله و بر همه امامان
از علی مرتضی تا مهدی موعود! خداوند! اما را از روزگار
انقلاب داخلی و ضد انقلاب خارجی بر آور. برقرار باد
پرچم توحید در سرتاسر گیتی به رهبری امام خمینی
والسلام. (شهید احمد براتی احمدآبادی - نقل از
روزنامه اطلاعات ۷ مهر ۱۳۶۱)

(۱) ظاهراً روحانیت مبارز حتی به این شهید بیگناه هم
راست نگفته است، زیرا همه میدانند که بهشت هشت
در دارد، و بخصوص آیه اله دستغیب، شهید محراب، نه
تنها این موضوع را در کتاب "معاد" تصریح
فرموده‌اند، بلکه اخیراً خودشان هم از یکی از همین
درها وارد آنجا شده‌اند.

- ای انسان ، دنیا دار آزما بش است . در قیامت
از ما خواهند پرسید : آیا وظائف خود را نسبت به اولی
الامر زمان امام خمینی انجام داده ایم ؟ و عاقبت همه
ماه آن بستگی دارد .

(شهید سهرن حاجی خانی دامشحوی رشته
اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه ملی ایران
روزنامه اطلاعات ۱۴ مهر ۱۳۶۱)

- ای حسین جان ، بدان که امت تو به رهبری
روح اله ایران راستا سرکربلا کردند ! سلام من به همه
عزیزان و شهیدان تاریخ از هابیل تا امام حسین از حسین
تا یاران خمینی ، رهبر کبیرا انقلاب حسین !
(شهید سرباز محمدروائی - نقل از روزنامه
اطلاعات ، ۴ آبان ۱۳۶۱)

- ای امام که امیدوارم تا ظهور مهدی (عج) زنده
باشی ، ترا پروان پاک شهیدان انقلاب اسلامی از هابیل
(!) تا حسین و زحسین تا شهیدان گلگون کفن شده اخیر ، در
آخرت از من شفاعت کن . من درس شهادت را بعد از حسین
(ع) از شهید مظلوم آیه اله دکتربهشتی آموختم . ای
برادران ، راه من مطیع ولایت فقیه میباشد که اگر از آن
دور شوید فنا خواهید شد .

(امضاء شهید پانزده ساله محمدباقری ،
نقل از روزنامه اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۶۱)

- بنام خداوند بخشنده مهربان ، همه بدانید که
اگر بخواهید بدون این امام درد دنیا حرکت کنید ، همچون
گوسفندی خواهید بود که از گله اش جدا شده است . ان الله
مع الصابرين - التماس دعا دارم .

(جانباز علیرضا صدوقی ، نقل از روزنامه اطلاعات ۲۳
آبان ۱۳۶۱) .

- شهادت می‌دهم که ۱۲۴ هزار پیغمبر برحمت
بوده‌اند و جانشین پیامبر ۱۲ نفرند ، و درود به مهدی
منحی انسانها و به رهبر کبیرا انقلاب اسلامی ایران
ابراهیم زمان ، قائد ، امام خمینی ، و حالا پیاد
چکمه مینهم و به جبهه میروم که دنیا را از شرریگان
و صدام و بنی صدر و رجوی خلاص کنم .

(شهید داود نوازی - روزنامه اطلاعات

۲۶ آبان ۱۳۶۱)

- سلام بر تو ای روح اله ، ای که انسانیت قسرن
حاضر را از تباهی رهانیدی و با تبر ابراهیم در راستای
سینای موسی و آسمان عیسی و شریعت محمد و مذهب علی
و پرتو قرآن در کربلای حسین رهنمودی ، ای امام برحق ،
حقا که حدیث درست گفت که قاشدی از قم قیام میکنی
و بشریت گمراه را از گرداب باطل به حق میخواند و قومی
در پیرامونش به استحکام حدیث به شهادت میایستند که
از بادهای زرد و سرخ و سیاه و متزلزل نمیترسند . و حالا
و ارثین ها بیل شهادت میدهند که : ای حجت خدا و ای
نایب بقیه الله ، ای عصاره تقوایی که امت را از هلاک
رهانیدی و با عظمت الهی خویش پوزه ابر قدرت جهانی را به
خاک مالانندی و ریشه پوسیده ۲۵۰۰ ساله استکبار جهانی
را کندی ، و در زباله دان تاریخ افکندی ، تاریخ
اندیشان و کج فهمان مارق بدانند که ولایت فقیه تجلی
باشکوه امامت مهدی (عج) است ، و طبقات مارقین
کور دل نمی بینند که خدا فرموده است اطیعوا الله و
اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم . البته برای خداوند
که به امر او ماه شتابان بسوی محمد آمدوا ظها را سلام
کرد (!) و دونیم شد ، کاری ندارد که حلبی پاره های
صدام را در آسمان از کار بیندازد ولیکن نمیکنند که

مؤمنین امتحان ننگو پس دهند و مؤمنان واقعی شناخته شوند .

(شهید علیرضا غفاری ، مسئول فسمس
سیاسی ایدئولوژیک یادگان پسران شهر
روزنامه اطلاعات ، ۲۶ آبان ۱۳۶۱)

- ما خودمان را برای حمله فتح المبین آماده کرده بودیم و فرار بود که فردا حمله را شروع کنیم . اما این ناکس هاشما به ما ننگ زدند و من با انفجار یک بار نوحه محروم شدم و مرا سه بیمارستان شهید آوردند . حالا خیلی خوشحال هستم که دوباره را از دست داده ام و از خداوند لاسریک بخاطر این لطفش به من تشکر میکنم و هر روز برای سلامتی و طول عمر امام عزیز ستشکر تا انقلاب حضرت مهدی عجل الله دعایم می باشد . والسلام !

حاجتاز حواد عبیدی پور

(مجله شاهد ، ۱۵ فروردین ۱۳۶۲)

- من یکی از دوستانم که مثل خانم دوستش داشتم به اسم مرتضی در یک سنگری بودیم . ولی مزدوران عراقی کسبه از حیوان کشف هم نجس ترند ما را با خمپاره زدند و حسد مرتضی پودر شد . من هم دوپا و یک دستم را از دست دادم . خیلی خوشحالم و ما باید از خداوند بزرگ سلامتی و طول عمر امام عزیز و پیروزی لشکریان الله بر دشمنان کفر صدام امریکائی و همچنین برافراشتن پرچم لا اله الا الله بر سر سرگیتی را خواستار میباشم .

حاجتاز رضا طاقتی

(مجله شاهد ، ۱۵ فروردین ۱۳۶۲)

صفهای نان و گوشت ،
صفهای نفت و بنزین ،
صفهای مالیات ،
صفهای فیلم و اتوبوس ،
صفهای زهرمار ،
از بین میروند .
صبح بیداری
و بهار آزادی
لبخند میزند .

باید امام بیاید . . .
تا حق بجای خود بنشیند ،
و باطل و خیانت و نفرت
در روزگار نماند .
وقتی امام بیاید
ایران ، این مادر شکسته رنجور
دیگر برای همیشه
از بند جور و جهل
و غارت و شکنجه و زندان
آزاد میشود !

(طه حجازی (ح . آرزو) ۷ بهمن ۱۳۵۸)

* * *

الای انقلاب ، ای انقلابم
الا پرورده روح و توانم
تورا در سختی شعب ابوطالب
وزیر سایه تیغ

و با فریاد تنهایی و غربت برسرجاه
بدست ظاهر پیوسته بر حبل خدا وندی میسپارم

هما مجتهدی (از روزنامه انقلاب اسلامی ، ۲۳ دی ۱۳۵۹)

دربین ما مردی است پرتسوا فشان ،
 مردی که خورشید است از اوتابان !
 مردی هم ابراهیم وهم عیسی وش
 مردی که میدمد به مردگان جان .
 مردی که سنگرگاه اهل عشق است ،
 جمعند گردش عاشقان فسران
 مردی که لبخندش دواي درد است ؛
 مردی که خشم اوست خشم وجدان
 این مرد مردان زاده حسین علیه السلام است
 آنکس که یکتا بود چون هزاران
 اشندد یدیک واعتصم بحباله
 آری کلام اوست ما را معسوان
 مهرداد علوی ، دژقزوین
 (از محله سروش ، اردیبهشت ۱۳۶۰)

* * *

به اسطوره ایمان ، مادر " طریق الاسلام "

(زنی که در مرداد ماه ۱۳۶۰ ، پسرش را که در "خط
 امام " نبود در یک برنامه تلویزیونی ، بدست دژخیمان
 زندان اوین سپرد و همانروز آن پسر اعدام شد و خود
 آن زن ، از طرف امام امت ، مادر نمونه اسلام اعلام گردید .)
 من اعتراف میکنم ، ای زن ،
 ای مادر مبارک معهود .
 تو قالب مثالی خود را
 " کنعان " را
 در پیش چشم خلق شکستی
 و روح پاک و ستبر خدا را
 آن شب به هرچه کور
 نمایانندی .

با نوری باغهای شها مت
 زیباترین تبلور عصمت
 تو ما در تمام شهیدان هستی!
 تو مثل معجزه میمانی!
 در پیشگاه یار،
 اسطوره حماسه و ایثار،
 در قامت بلند تو
 تفسیر میشود.
 باید به مادرم بنویسم:
 بعد از نماز صبح،
 بعد از نماز ظهر،
 در مغرب و عشا،
 نام ترا بمثل سوره قرآن
 ترجیح وارزمزه سازد!
 نام تو از تبار رما میر
 زیباتر از تمام اساطیر است.
 در قرن بی تفاوتی عشق،
 توبهترین نشانه گوئیهستی!

ای مادر!
 ای یگانه ترین،
 ای "زینب"!
 ای همواره ترین،
 باید تمام مردم عالم را
 دعوت کنم به اینکه بیایند:
 آنگاه
 نور خدا و عشق شهادت را
 از مکتب تو درس بگیرند.

(طه حجازی، روزنامه کیهان، ۵ شهریور ۱۳۶۰)

به کارخوبش آمریکا خودش هشیار ببینند!

برای کشور ما خواب استعمار می بینند!

زمانی سودکارتر در صدور توطئه ، اما

پلنگ هر عاقلی در چشم خود خونخوار

می بیند

نیارستن غلط کردن هزاران همجوا آمریکا

چنان از غیبدا نش، رهبر هشیار می بیند

کنون ریگان برای کودتا دفتر چوبگشاید

هزاران طرح بی بنیاد در آمار می بیند

توای نامفتی این عصر، خودت دانی که حق با امام است

لجوج است در زبان ، قلست خدا پیش

تاری می بیند!

چنان راضی به قتل این امام راستینی تو

هزاران آف به تو اسلام زین رفتار

می بیند

من از امدهای غیبی و رویای خودبینم ،

ز شر است آنکه او را در صف اشرار می بیند

درون پرده دار دبا زهم صدحیلہ آمریکا

ندانند لیک گانرا خالق ستار می بیند

خیالی خام باشد کودتا اونیک میداند

شود خنثی و نقش آب دیگر با رمی بیند

بر آنچه پادگان دار دخلیج فارس ، یاد آرد

به گردابی همه با آب در پیکار می بیند

خمینی با خیالی مطمئن چونان سخن گوید

خدا دانند که او دست خدا در کار می بیند

چه بینی کارهای خارق العاده از او در قم ؟

که سید موسی شجاعتان همه از لاری می بیند!

سید موسی شجاعتان ، سخنران لاریستان

(از مجله بروة الوثقی ، ۲۵ خرداد ۱۳۶۰)

* * *

ای امام منتظر، مهدی بیا! مهدی بیا!
رهبر ثانی عشر، مهدی بیا! مهدی بیا!
گرز خمباره گردد تنم بی سر،
زنده باد اسلام! پاینده باد رهبر!
گر نه سرداری تو عشق کربلا
کی دعا بهر پیروزی رهبر
الله، الله، پاینده حزب اله
جان ما گردد، قربان روح اله
غلامعلی کاظمی (از مجله سروش، ۲۵ بهمن ۱۳۶۰)

* * *

اگر نداشتیم وحدت
اگر نداشتیم رهبر
آن رهبر انقلاب
جانشین امام زمان (عج)
اگر نکرده بودیم
از فرمانش اطاعت
الان آزادی نداشتیم،
جمهوری اسلامی نداشتیم.
محمد رضا سلمانی (از مجله شاهد، ۱۳ فروردین ۱۳۶۱)

* * *

خداوندا، خدایا، بارالها
رها نیدا و مردم را زهر بنند
چنان شورید بر ظالم که دنیا
چنین گفته است او با امت خویش
نگهداری نما از رهبر ما
سپس بیدار گرد خلق ستمکش
بخود لرزید از غضاب موسی
بپا خیزید و بر دشمن بشورید
ندای پیر را لبیک گفتند
جلوتیر با تکبیر رفتند
شهید علی اکبر صالحی (از مجله شاهد، ۱۵ مهر ۱۳۶۱)

* * *

سلام بر محمد رسول اله ، بر علی ولی اله ، بر مهدی
حجت اله ، بر خمینی روح اله ،
الا ای لیبرال مانده در گمراهی و ذلت
الامزدور بیگانه ، فکنده زیر پای آئین یزدان را ،
وهردم میکنی با مال خون نو جوانان را
حرامت باد آزادی !

الا ای بت شکن ، مشرک به آئین خداوندی ،
ایا مزدور بیچاره نشسته در پی فرصت که چینی میوه
از گلها ،

رهائی نیست دونان را ،
ز چنگ رهبر امت " خمینی "
عروس حمله ام ، تنها سلاحم
ومن سربازان پیر جما رانم و جانبازم براه حق
بسیجم ، پاسدارم ، از سپاه و از جهادم !
پاسدار
(از مجله اعتصام - خرداد ۱۳۶۱)

* * *

خدا به ما امام داد !
امام پرتوان داد !
انقلاب کردیم اسلامی ،
سرخ و سبز و طلائی .
دست خدا به همراست
چونکه رهبر روح الله است !
کار میکنیم همیشه
تا اسلام پیروز بشه

زینب ایمان ، از اندیشک

(از مجله شاهد ، ۱۵ خرداد ۱۳۶۱)

ای کودک انقلابی
تو دشمن خدا انقلابی
تو آمدی و نوید ما می
تو نور امام زمانی
تو سرباز ما می
تو دشمن صدای
رهبر خمینی
مکتب حسینی

خدا یا ! خدا یا ! تا انقلاب مهدی ، خمینی را نگذار !

ما برحافظان ، از میانند و آب

(از روزنامه اطلاعات ، ۱۵ مهر ۱۳۶۱)

* * *

عشق من و مرام من ، باعث احترام من
بر تو بود سلام من ، رهبر من ، امام من
خمینی ای روح خدا
فرمانده کُل قوا
از توبه حق رسیده ام ، جلوه عشق دیده ام
دست ز جان کشیده ام ، ای سبب قیام من
خمینی ای روح خدا
فرمانده کُل قوا
زنده و حادان توئی ، رهبر مهربان توئی
مونس شیعیان توئی ، راهبر گرام من
خمینی ای روح خدا
فرمانده کُل قوا
ملت ما هزار سال ، جوید اگربه تو مثال

چون تو کی بود محال ، زمزمه کلام من

خمینی ای روح خدا

فرمانده کُل قوا

جواد خدا وردیلو (از روزنامه اطلاعات ، ۱۵ مهر ۱۳۶۱)

* * *

دشمنان را دل بترسانید اخبار رسول
همچو آوازی که ناگه بر جها نیدی غنم
چون به جنگ دشمنان رفتی بدی در جنگ گاه
آن بدنها بر سر نیزه ، جوحم اندر وحم
آرزویشان سرگریز و غبطه بردندی بدان
عضوهای کان بر بودی با عقاب رخس
هر شبی بگذشتگانرا ندانستی عسدد
وزغزاهای چون نبودی از شب ماه حرم
گو سپا دین بود مهمانی کها و آمد فرو
در سرای آنکه بر مشتاق لحم دشمنم
مبکشیدی بحر لشکر حمله بر اسیان سوار
موج میزد آن دلیرانی که میرفتند بهم
جمله از بهر خدا در کما ربودند در غزا
بیخ کفر ازین بکنند نیست کردند از ستم
تا قوی شد ملت اسلام از سعی همنه
دین در اول بد غریب و زار هم شد محترم

استاد کما مران نجات الاهی ،

شهید دانشگاه

(از روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۱ دی ۱۳۶۱)

* * *

ای طف

ای سایه همای سعادت

ای مدفن حسین (ع)

ای منبع نخست

ما میائیم ، بدنهایمان محروح

زخمهایمان خونریز

وگرگ

برادر عزیزمان را خورد

وما پیراهن معطریوسف را بدست گرفته

می آئیم .

کاظم تبریزیان

(از روزنامه اطلاعات ، ۱۶ دی ۱۳۶۱)

* * *

غزلی برای امام

خیالت میبرد از دیده خواب آهسته آهسته

جوگردابی که میچرخد در آب آهسته

آهسته

سحرگاهان چوخیزد عنبر از باد صبا ، دانم

که زلفت می رود اکنون به تاب آهسته

آهسته

ز چشم اشک گرم ارمیجکد ، از آن سبب باشد

که شد دل ز آتش عشقت کباب آهسته

آهسته

چو بر چشمت نظر میافکنم ، گوئی که در جامم

بریزد از سبوساقی شراب آهسته

آهسته

همی دانم که از لعل شکر آ میزفتاننت

شده در کشور دل انقلاب آهسته

آهسته

علاج قلب بیما را ز لب نوشین جانان جو

که خود این غنچه خواهد شد گلاب آهسته

آهسته

احمد عزیزی

(از روزنامه کیهان ، ۱۴ بهمن ۱۳۶۱)

* * *

ای بت شکن عمر خمینی تو ولّی
در آتش نمرود زمانه تو خلیلی
در حل مسائل بر مخلوق فقیهی
هر عالم و دانا بحیان را تو دلّیلی!
صدحاتم طائی زکرم با زبدا ری
گردست سخاوت زکرامت بگشایی
ما کارگران عاشق جانبا زخمینی
دلباخته راه حق و فکر خمینی
بگرفته همه جان بکف آماده فرمان
تا محو کنیم ظلم زنیم ریشه ریگان
ای شیر خدا، "عاشق دلخسته ایران!"
مردانه بگفتی سخن از حامی قرآن
روزیکه ندای توجوم منصور شنیدم
گفتم که قیامت شده بریا و نفع صور شنیدم
با آن سخن درد گهرا را نال حق
از روح خدا گشته عیان بر من ذی حق
خواهی تو گرت راه حق و حفظ سیادت
باید که کمربسته شوی بهر شهادت

حاج ما شاء الله شبر خدا کی

(از محله اعتصام ، ۱۱ اسفند ۱۳۶۱)

* * *

زینبا گریه نکردم تا که دشمن بشنود
گریه دارم نزد تو، هستی تو از عالم گواه
زینبا! من گریه دارم نزد تو
چونکه باشی نزد یزدانت، و من را داخواه